

بسم الله الرحمن الرحيم

99/10/04

**موضوع:** بازخوانی جریان دردناک هجوم به خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

ویژه برنامه «صدیقه شهیده»

فهرست مطالب این برنامه:

ذکر سرفصلهای محور شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

محور اول: فضیلت بی نظیر حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها)

محور دوم: دفاع حضرت زهرا (سلام الله علیها) از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

تغذیه فکری روشنفکران داخل کشور، برای رسیدن به اهداف شوم!!

محور سوم: جریان هجوم به خانه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

لزوم پاسخگوئی منطقی و مستدل به شیعه نماهای وهابی!

تلاش جدی بنی امیه برای نابودی حقایق تاریخی!

اسناد معتبر تهدید و به آتش کشیدن خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

(الف) روایت «طبری»

(ب) روایت «ابن ابی شیبیه»

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

از سرا تا به ثریا زهرا

نوگل گلشن طه زهرا

پدرت بر تو چنین نام نهاد

فاطمه أم أبیها زهرا

ای دلت گستره اقیانوس

خجل از روی تو دریا زهرا

از غم تو کمر کوه شکست

نرم شد صخره صما زهرا

درد تو نیست ز سیلی یا میخ

شده راز تو هویدا زهرا

درد تو بی کسی مولا بود

ذکرش این بود علی یا زهرا

عرض سلام و ادب و احترام و فروتنی ابتدا به محضر باشرافت و باکفایت حضرت صاحب الأمر مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که شایسته‌ترین کسی که می‌شود سلام را به آن بزرگوار تقدیم کرد، وجود نازنین حضرت ولی عصر است.

بعد از آن این سلام و درودها تقدیم به شما که دل‌ها و وجودتان وابسته و نورانی به نور اهلبیت (علیهم السلام) است.

با ویژه برنامه «صدیقه شهیده» از «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» در خدمت شما هستیم و در محضر استاد گرانقدر حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی. حاج آقا خدمت شما عرض سلام دارم و پیشاپیش عرض تسلیت به مناسبت فرارسیدن ایام فاطمیه؛

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه دوستان و بینندگان عزیز که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند، خالصانه‌ترین سلامم را تقدیم می‌کنم و موفقیت روزافزون برای همه آرزومندم.

فرارسیدن ایام فاطمیه و شهادت غریبانه و مظلومانه حضرت صدیقه طاهره تنها یادگار رسول اکرم را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقية الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه مندان به اهلبیت عصمت و طهارت به ویژه شیعیان و بینندگان عزیز تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

خدا را به مضطر بین در و دیوار سوگند می‌دهم هرچه سریع‌تر فرج فرزندش حضرت بقية الله الأعظم را نزدیک نموده و همه ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد، ان شاء الله.

## مجری:

ان شاءالله؛ حضرت استاد از شما ممنونم. قرار است که پنج شب در همین ساعت این ویژه برنامه را تقدیم محضر بینندگان محترم کنیم.

اگر اجازه بدهید یک دسته بندی انجام بدهیم و برنامه اول را اینطور آغاز کنیم که بتوانیم در شب‌های آینده و برنامه‌های آینده هم آن را ادامه بدهیم.

حضرتعالی سرفصلی در خصوص محورهایی که در ایام فاطمیه بهتر است و باید مورد بحث قرار بگیرد و راجع به آن صحبت شود برای بینندگان محترم داشته باشید و بیان بفرمایید تا ان شاءالله یکی یکی شروع به طرح آن کنیم.

ذکر سرفصلهای محور شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله

در رابطه با حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) از ابعاد مختلف می‌توان بحث کرد. من به ذهنم می‌رسد چند محور اساسی هست که باید بخشی از آن در ایام فاطمیه اول و بخشی در ایام فاطمیه دوم مطرح شود.

## محور اول: فضیلت بی نظیر حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها)

یکی از محورهای فضیلت بی نظیر حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) است. فضائلی که شیعه و سنی نقل کرده است، علی الخصوص؛

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي»

فاطمه پاره وجود من است.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 3، ص 1361، ح 3510

آیا رسول اکرم تنها به خاطر اینکه حضرت فاطمه زهرا دخترشان بود و رابطه ابوت و بنوت و پدر و فرزندی بینشان برقرار بود چنین فضیلتی در حق آن بزرگوار فرمودند یا خیر؟! رسول گرامی اسلام فرزندان دیگری هم داشتند.

علت این همه فضائل برای حضرت صدیقه طاهره چیست؟! ما قبلاً هم روایاتی از کتب علمای اهل سنت آوردیم که وقتی حضرت صدیقه طاهره داخل می‌شوند؛

«قام إليها فقبلها ورحب بها»

رسول اکرم به استقبال آن بزرگوار می‌رفتند، بر حضرت بوسه می‌زدند و به حضرت خوش آمد می‌گفتند.

در اینجا «قام إليها» آمده است نه «قام لها»!

«وأخذ بيدها فأجلسها في مجلسه»

رسول گرامی اسلام دست حضرت فاطمه زهرا را می‌گرفت و آن را بزرگوار را در جای خود می‌نشانند.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر:

دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج

3، ص 174، ح 4753

این‌ها برای چیست؟! چه پیامی دارد؟! بنده بارها گفتم که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

### «هِمَّةُ السُّفَهَاءِ الرَّوَايَةُ وَ هِمَّةُ الْعُلَمَاءِ الدَّرَايَةُ»

همت سفیهان روایت نقل کردن است و همت عالمان به بررسی سندی است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 2،

ص 160، ح 13

تنها روایت نقل کردن کار سفیهان است. اگر شروع کنیم روایات را پشت سر هم نقل کنیم، در شرح و تفسیر آن

به مشکل برمی‌خوریم. این همین مصیبتی است که توسط اخباری‌ها بر سر اسلام آمده است.

همچنین امروز بعضی از افراد جاهل و نادان شروع به طرح مباحثی می‌کنند که ما در فضای مجازی با آنها

درگیریم.

### «وَ هِمَّةُ الْعُلَمَاءِ الدَّرَايَةُ»

در مقابل همت و تلاش عالمان درایت و حدیث شناسی است. اولاً باید سند حدیث بررسی شود تا ببینیم از

معصوم صادر شده است یا خیر.

به قدری کذاب‌ها و وضاع‌ها و خناس‌ها در تاریخ بودند و حکومت‌ها آنها را اجیر می‌کردند که به زبان ائمه

اطهار مطالبی را مطرح کنند تا جایگاه ائمه اطهار را در میان مردم پایین بیاورند.

ما الی ماشاء الله از اینطور روایت داریم. ائمه اطهار هم بخشی از این روایت را معرفی و رسوا کردند. «یونس بن ظبیان» یکی از این افراد است. امام صادق می‌فرماید:

**«لَعَنَ يُونُسَ بْنَ ظَبْيَانَ أَلْفَ لَعْنَةٍ يَتَّبِعُهَا أَلْفُ لَعْنَةٍ كُلُّ لَعْنَةٍ»**

خداوند یونس بن ظبیان را هزار بار لعنت کند که از هر لعنت هم هزار لعنت بیارد.

رجال الکشی- إختیار معرفة الرجال، نویسنده: کشی، محمد بن عمر، محقق / مصحح: طوسی، محمد

بن الحسن / مصطفوی، حسن، ص 364، ح 673

مشخص است که ما باید روایات را بررسی سندی داشته باشیم، چه روایت شیعی است و چه روایت سنی است. اگر ما ده روایت با راوی کذاب داشته باشیم، آقایان اهل سنت صد برابر ما راوی کذاب دارند. روایات باید بررسی شوند.

علاوه بر این مهم‌تر این است که پیام روایت چیست، هدف امام از این روایت چیست و ما چه برداشتی از این روایت داریم. باید روشن شود این روایت در زمان خودش چه پیامی داشت و برای نسل‌های بعدی و عصرهای بعد چه پیامی دارد!!

سخن امام برگرفته از وحی است. بنابراین باید ببینیم احادیثی که در رابطه با حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) نقل شده است، چه پیامی دارد. باید ببینیم روایاتی نظیر:

**«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي»**

یا:

**«وهی قلبی وروحی الّتی بین جنبی»**

زهرا قلب من و روح و جان من در درون سینه‌ام است.

الفُصُولُ المُهَمَّةُ فِي مَعْرِفَةِ أَحْوَالِ الْأَئِمَّةِ، عَلِي بن أحمد بن عبد الله المكي المالكي، المشهور بابن الصبَّاح

(784-855 ق)، ج 1، ص 1، فصل في ذكر البتول

چه پیامی می‌خواهد داشته باشد. باید این روایات قدری موشکافی و بررسی شود. این یکی از نکاتی است که باید روی آن کار شود.

**محور دوم: دفاع حضرت زهرا (سلام الله علیها) از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)**

نکته دوم که در حقیقت شاید یکی از پیام‌های روایات در فضیلت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) است، دفاع جانانه حضرت از امیرالمؤمنین و امامت و خلافت آن بزرگوار است به طوری که نام مقدسش به عنوان اولین شهیده راه ولایت ثبت شد.

البته قبل از آن هم فرزند بزرگوارش حضرت محسن هم به عنوان یکی از کوچکترین و کم سن ترین شهید راه ولایت ثبت شده است. دفاع حضرت صدیقه طاهره از امیرالمؤمنین باید روشن شود. حدیث:

**«مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»**

هرکسی بدون امام از دنیا برود، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - مصر، ج 4، ص 96، ح 16922

همچنین در کتاب «صحيح مسلم» جلد 6 صفحه 22 حدیث 4686 این روایت نقل شده است. این قضایا باید روشن شود. زمانی که حضرت فاطمه زهرا از دنیا رفتند، آیا با اعتقاد به امامت از دنیا رفتند یا بدون اعتقاد به امامت از دنیا رفتند؟!



اگر حضرت بدون اعتقاد به امامت از دنیا رفتند، نستجیر بالله مرگ حضرت فاطمه زهرا مرگ جاهلی است!؟  
«من هو إمام زمان فاطمة». این قضایا باید برای جوانان روشن و واضح شود.

ما با پیرمردان کاری نداریم. هرچه بوده گذشته و این بندگان خدا هم بار و بنه خود را بسته‌اند. ما نه اینکه به پیرمردان امید نداشته باشیم، اما امیدی که به جوانان داریم به افراد مسن نداریم. امام صادق (علیه السلام) هم فرمودند:

«عَلَيْكَ بِالْأَحْذَاتِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ»

به سراغ جوانان برو، زیرا پذیرش آنها در هر امر خیلی بالاتر است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 8،

ص 93، ج 66

ما باید در ذهن جوانان شیعه و جوانان اهل سنت نقطه آغازی ایجاد کنیم تا بروند و کار و تحقیق و بررسی کنند و دست از مذهب موروثی داشتن بردارند.

اینکه بگویند پدرم گفته من شیعه هستم و به همین خاطر من شیعه هستم به درد نمی‌خورد. اینکه بگویند پدرم گفته من سنی هستم و من هم سنی هستم هیچ ارزشی ندارد.

اگر چنین باشد شخص مسیحی هم می‌گوید پدرم مسیحی بوده و شخص یهودی هم می‌گوید پدرم یهودی بوده است. اگر چنین باشد هیچ تفاوتی وجود ندارد.

ما امروز باید این روایات را برای همگان تحلیل کنیم و پیام روایت را برای مردم برسانیم و بتوانیم در اذهان مخاطبینمان نقطه آغازی برای کار پژوهش و تحقیق در مباحث اعتقادی باشد.

تمام مباحث فقهی ما به اعتقادات ما برمی گردد. اگر اعتقادات که ریشه است خراب بود، از طرف دیگر هیچ ارزشی ندارد.

ما دهها روایت در کتب اهل سنت داریم مبنی بر اینکه کسانی که در مباحث اعتقادی مخصوصاً بحث ولایت مشکل دارند، هیچ عملی از آنها مورد قبول نیست. در کتاب «مناقب خوارزمی» روایتی آمده است که به صراحت می‌گوید:

«یا علی لو أن عبداً عبد الله عز وجل مثل ما قام نوح في قومه»

یا علی! هرگاه بنده‌ای خدا را به مدت عمر نوح که در میان قومش قیام کرد عبادت کند.

«وكان له مثل أحد ذهبا " فأنفقه في سبيل الله»

و به مقدار کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق کند.

«ومد في عمره حتى حج الف عام على قدميه ثم قتل بين الصفا والمروة مظلوماً»

و خداوند به او عمر طولانی بدهد به قدری که بتواند با پای پیاده هزار سال حج به جا آورد و بعد بین صفا و مروه به ناحق کشته شود.

«ثم لم يوالك يا علی لم يشم رائحة الجنة ولم يدخلها»

اما ولایت تو را نداشته باشد، بوی بهشت به مشام او نمی‌رسد و داخل آن نمی‌شود.

المناقب، نویسنده: الموفق الخوارزمی، تحقیق: الشیخ مالک المحمودی - مؤسسة سید الشهداء (ع)،

چاپ: الثانية، سال چاپ: ربيع الثاني 1414، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامي، ص 67، ح 40

این‌ها کتاب شیعه نیست. شیعه الی ماشاءالله از این روایات دارد. ما در روایت داریم که اگر اعمال صد و بیست و چهار هزار پیغمبر در پرونده اعمال تو باشد، اما ولایت علی بن ابی طالب را نداشته باشی فایده‌ای ندارد.

این روایات در کتب ما آمده است. اگر ما آنها را بخوانیم و از کنار آن هم به سادگی عبور کنیم، هیچ ارزشی ندارد.

### تغذیه فکری روشنفکران داخل کشور، برای رسیدن به اهداف شوم!!

نکته مهم‌تر که امروز در فضای مجازی مطرح است، این است که متأسفانه ما می‌بینیم بعضی از شیعیان ما در اثر کم اطلاعی مطالبی بیان می‌کنیم و بعضی هم که تحت تأثیر بعضی از وهابی‌ها و اهل سنت قرار می‌گیرند و بعضی دیگر هم عناد دارند.

بعضی از این افراد می‌خواهند چیزی بگویند که فلان شخص بگوید او حرف جدیدی زده است. متأسفانه ما امروزه می‌بینیم که بعضی افراد در درون حوزه‌هایمان، دانشگاه‌هایمان یا مدارسمان این چنین افرادی کم نیستند.

به عنوان مثال بعضی افراد شروع می‌کنند و می‌خواهند شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را زیر سؤال ببرند. چنین شخصی تصور می‌کند که اگر چنین بگوید، دیگر افراد می‌پندارند که او چقدر انسان روشنفکری است.

ان شاءالله که فاطمیه تمام شد، بنده قول می‌دهم برای بینندگان عزیز بحثی را مطرح کنم. اخیراً ما بحث امامت امیرالمؤمنین در «نهج البلاغه» را شروع کردیم و الحمدلله با شکر خدای عالم نکات خوبی هم مطرح شده است.

در حال حاضر دشمنان اعم از آمریکا و صهیونیسم و عربستان سعودی از اینکه رو در رو با شیعه مواجه شوند، ناامید شدند. در حوزه نظامی که دیگر شکست خفت باری خورده‌اند.

خفت و ذلتی که آمریکا در برابر ایران متحمل شد، در تاریخ آمریکا بی سابقه بود به طوری که خودشان هم به این قضیه اعتراف کرده‌اند.

مغزهای متفکر آمریکا می گویند با وجود اینکه ایران «پایگاه عین الأسد» را شخم زد، آمریکا هیچ غلطی نتوانست بکند.

بنده مدارک زنده دارم که ان شاءالله در فرصتی مناسب آنها را رو می‌کنم و روی آن تحلیل خواهم کرد. امروزه عربستان و صهیونیسم و آمریکا و کسانی که واقعاً با حکومت جمهوری اسلامی مبتنی بر فقه اهلبیت مشکل دارند، چشم امید به روشنفکران ما دارند.

می گویند ما باید روشنفکرانی که در داخل هستند را تغذیه فکری کنیم. آنها هستند که امید آینده ما هستند.

بنده مدارک زنده‌ای دارم که آنها را پخش می‌کنم و از مسئولین نظام اعم از مسئولین فرهنگی و نظامی و قضایی تقاضا دارم که قدری حواسشان به این روشنفکران باشد.

### **محور سوم: جریان هجوم به خانه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)**

سومین محوری که ما باید روی آن کار کنیم که بنده دوست دارم قدری بیشتر روی این محور کار کنم، ماجرای هجوم به خانه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و فجایعی است که در این ماجرا به بار آوردند.

تمام قضایایی که در زمان پیغمبر اکرم اتفاق افتاد گذشت. به رسول گرامی اسلام نسبت هذیان دادند. حضرت در ماجرای «جیش اسامه» فرمود:

**«لعن الله المتخلف عن جیش أسامة»**

اما صحابه نرفتند. در نهایت رسول گرامی اسلام با قلبی شکسته و دلی پر از خون از امت خداحافظی کرد. تمام توصیه‌های رسول گرامی اسلام در رابطه امیرالمؤمنین همگی نادیده گرفته شد.

ما به این مسائل هم کاری نداریم و فعلاً این بحث را باز می‌گذاریم تا در جای خود آن را مطرح کنیم. بعد از رسول گرامی اسلام خلیفه اول انتخاب شد و عده‌ای هم با او بیعت و عده‌ای هم مخالفت کردند.

ما آمار تمام کسانی که بیعت کردند را استخراج کردیم. نزدیک به شصت تن از صحابه که عده‌ای از آنها هم از صحابه کبار هستند، با ابوبکر بیعت نکردند. ما تمام مدارک آن را استخراج کردیم.

بنده در «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» شاید روی این قضیه هزاران ساعت وقت گذاشتم و تمام این مطالب را از منابع اهل سنت درآوردم.

بنده سؤالی دارم و تقاضا دارم که آقایان پاسخ این سؤال را به بنده بگویند، زیرا پاسخ آن باید روشن شود.

چطور شد به سراغ «سعد بن عباد» که رئیس بخش عظیمی از انصار است و بیعت نکرد و در نماز جماعت ابوبکر شرکت نکرد، در نماز جماعت عمر بن خطاب شرکت نکرد یا در حج شرکت نکرد نرفتند تا او را کشان کشان برای بیعت به مسجد بیاورند؟!

چطور خانه «سعد بن عباد» را آتش نزدند و همسر او را بین در و دیوار نگذاشتند؟! چطور این کارها را با «سلمان» و «ابوذر» و دیگر صحابه نکردند؟! چطور شد از میان این همه صحابه خانه امیرالمؤمنین برای هجوم انتخاب شد؟!

مقابله با امیرالمؤمنین مراحل مختلفی دارد که ما باید روی آن بحث کنیم. باید تکلیف ماجرای هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا روشن شود.

روایاتی در کتب شیعه و اهل سنت هست که باید در مورد سند آن بررسی شود. همچنین شبهاتی که آقایان مطرح کردند.

نقل شده است خلیفه اول در اواخر عمر از اینکه دستور هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را داد، اظهار ندامت می‌کند. اگر او کار خوبی کرده است که از کار خوب خود اظهار ندامت نمی‌کند!

به عنوان مثال شخصی مسجد ساخته است، به فقرا رسیدگی کرده است، به زیارت خانه خدا رفته است.

حضرتعالی فرمودید که به تازگی از زیارت امام حسین (علیه السلام) و حضرت زینب (سلام الله علیها) برگشتید که امیدواریم خداوند قبول کند. شما از این کار خود ناراحت نیستید و اظهار ندامت نمی‌کنید، بلکه با افتخار می‌گویید.

اگر هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا کاری درست و شرعی بود، چرا جناب ابوبکر اظهار ندامت و پیشمانی می‌کرد و می‌گفت ای کاش دستور حمله به خانه حضرت فاطمه زهرا را نداده بودم؟!

این مسئله‌ای است که نقطه آغاز تحقیق و پژوهش است و پژوهشگران ما باید روی آن کار کنند. در دهه فاطمیه باید این قضایا روشن شود.

بنده از همه مداحان مخصوصاً حضرتعالی که واقعاً هم شاعر و مداح زبردستی هستید تقاضا دارم این مسائل را به زبان شعر در بیاورید.

مقام معظم رهبری بارها در جلسه شعرا فرمودند: بیاید حقایق تاریخی را به زبان شعر بیان کنید. چه بسا چند بیت شعر حضرتعالی از یک ساعت سخنرانی من در مخاطب تأثیر بیشتری بگذارد.

زبان شعر زیاده‌گویی است و تأثیرگذاری شعر تأثیرگذاری ویژه‌ای است، اما به شرط آنکه منطبق با واقعیت تاریخی باشد.

## لزوم پاسخگوئی منطقی و مستدل به شیعه نماهای وهابی!

نکته بعدی که امروزه می‌بینیم در جامعه ما مورد بحث است مخصوصاً بعضی از شیعه نماهای وهابی صفت، آن را مطرح می‌کنند، این است که آیا خانه حضرت فاطمه زهرا را آتش زدند یا نزدند.

باید روشن شود که ما در این خصوص مدرکی هم داریم یا تنها ادعاست. این قضیه اساسی‌ترین بحثی است که در فاطمیه اول و دوم باید تکلیف آن روشن شود.

بنده از دوستان اتاق فرمان تقاضا دارم این مباحث را به صورت کلیپ درآورند و در فضای مجازی منتشر کنند.

ما می‌خواهیم بدین واسطه تحدی کنیم البته نه به وهابی‌ها و اهل سنت، بلکه به همین سنی زده‌های درون شیعه که بدون اجر و مزد بلندگوی دشمنان شیعه شده‌اند و دارند در دین تردید ایجاد می‌کنند.

مشاهده کردید بعد از پیروزی انقلاب اسلامی امام خمینی تأکید زیادی بر مسائل وحدت داشتند. همچنین مقام معظم رهبری و مراجع بزرگوار عظام تقلید تأکید زیادی روی این قضیه دارند.

ما در طول این چهل سال ندیدیم یک سال ایام فاطمیه روضه بیوتات مراجع و بیت امام و رهبری تعطیل شود.

بنده چند شب قبل عرض کردم که یکی از دوستان بیت رهبری برای بنده تعریف می‌کردند که مقام معظم رهبری با توجه به سن و سال و کسالتشان در روز عاشورا ساعت آخر در جلسه حضور پیدا می‌کنند، اما در ایام فاطمیه از ابتدای جلسه حاضر می‌شوند.

ما خدمت ایشان عرض کردیم که شما همان آخر جلسه بیایید کفایت می‌کند. ایشان فرمودند: من روزی یک ساله خود را در ایام فاطمیه از حضرت زهرا می‌گیرم. می‌خواهم از ابتدا تا انتهای جلسه حضور داشته باشم.

حال تعداد اندک افرادی که از تشیع تنها اسم آن را یدک می‌کشند و شناختی از آن ندارند، امروز روی بعضی از مسائل شروع به تشکیک می‌کنند.

همچنین عده دیگری برای اینکه اهل سنت و وهابیت را خوشحال کنند یا نوآوری داشته باشند شبهاتی مطرح می‌کنند.

باید روشن شود آتش زدن خانه حضرت فاطمه واقعیت است یا افسانه است. شهادت حضرت محسن واقعیت است یا افسانه است. ماجرای شکستن پهلوئی حضرت صدیقه طاهره در منابع معتبر ما با سند صحیح آمده است یا خیر!؟

همچنین باید معلوم شود دلیل مجروح شدن سینه حضرت صدیقه طاهره و جاری شدن خون چه بود.

همین چندی قبل یکی از عرفا و کسانی که چشم برزخیه دارند، می‌گفت: وقتی حضرت صدیقه طاهره با آن حال دوان دوان برای نجات امیرالمؤمنین به مسجد آمدند، خون سینه حضرت در چند مکان روی زمین ریخته شد.

ایشان حتی آدرس می‌داد و می‌گفت در فلان منطقه، فلان سمت نقطه‌ای است که قطره خون از سینه حضرت فاطمه زهرا به زمین چکیده است. در آن منطقه بنشینید و دعا کنید و حاجت بخواهید.

کسانی که حقیقت بین هستند و چشم برزخی دارند، این قضایا را مطرح می‌کنند. باید روشن شود اصل ماجرای شهادت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) چیست. باید روشن شود آیا واقعاً به قول بعضی از آقایان افسانه است یا واقعیت است!؟

بحث بنده قدری طولانی شد، اما دوست دارم که هم خودم توفیق داشته باشم و هم عزیزان کارشناس دیگر ما هم در این زمینه قدری بیشتر کار کنند.

ما قول دادیم که ان شاءالله از امشب بخشی به زبان فارسی همانند روال هرشب داشته باشیم. همچنین در آخر برنامه هم به زبان آذری و ترکی برای عزیزان آذری زبان ایران و عزیزان ترکیه و گرجستان یا جاهای دیگر صحبت کنیم.



بنده دوست دارم تکلیف این قضیه روشن شود. ما «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» را هدیه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می دانیم. ما حداقل باید به عنوان اظهار ارادت و حق شناسی و شکرگذاری هم که شده حق مطلب را ادا کنیم.

### مجری:

حضرت استاد چند روز پیش که توفیق داشتم و زائر مزار غریب حضرت فضه (سلام الله علیها) بودم، چند بیت سر مزار ایشان خواندم. این چند بیت را در اینجا بخوانم و با اجازه شما و بینندگان محترم سری به اتاق فرمان بزنیم و برگردیم.

راز آن در غلاف شمشیر است

که هوای مدینه دلگیر است

یاس را با لگد سه نقطه و بعد

فضه آمد ولی کمی دیر است

هیچوقت جرئت خواندن روضه مکشوف حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) را نداشتم.

کوفه روزی مدینه خواهد شد

صحبت از کوچه نیست از تیر است

صحبت از آن علی که شش ماهه

صحبت از آن علی که بی شیر است

زهرا نداشت غیر خدا پشتوانه‌ای

مولا نداشت غیر خداوند ذوالجلال

تنها به جرم این که علی دوست بوده است

کردند حق فاطمه را نیز پایمال

ان شاءالله خداوند روزی اشک و روزی معرفتتان را زیاد کند و در این دنیای کوچک و پر از دروغ و نیرنگی که زندگی می‌کنیم، آن جاده حقیقی را که با چراغ‌های حقیقی روشن شده است به ما نشان بدهد.

جناب استاد همچنان در خدمت شما هستیم. قدری تخصصی‌تر با ذکر منبع و مأخذ به سراغ داستان هجوم برویم و به قول حضرتعالی برای شیعیانی که به علت ناآگاهی در این داستان آمدند و شبهه ایجاد کردند یک پاسخ محکم و قاطع داشته باشیم.

**تلاش جدی بنی امیه برای نابودی حقایق تاریخی!**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ما باید مرحله به مرحله جلو برویم و نباید انتظار داشته باشیم که همه چیز در منابع اهل سنت آمده باشد. «ذهبی» می‌گوید: واجب هست هرچه صحابه را زیر سؤال می‌برد، آتش بزنیم و نابود کنیم.

آن‌ها تلاش کردند و بسیاری از مسائل را از بین بردند، اما زورشان نرسید آیات قرآن کریم را تحریف کنند. چندین آیه در قرآن کریم در مذمت صحابه مطرح شده است، همچنانکه می‌فرماید:

**(إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ)**

اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد در باره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید.

## سوره حجات (49): آیه 6

یا:

**(فَأَعْتَبَهُمْ نِفَاقاً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ)**

این عمل (روح) نفاق را در دل‌هایشان تا روزی که خدا را ملاقات کنند.

## سوره توبه (9): آیه 77

مشخص است که این آیات درباره چه کسانی است. آن‌ها زورشان نرسید آیات را در قرآن کریم حذف کنند، اما در روایات آنچه که توانستند انجام دادند.

در دوران بنی امیه در فضیلت بعضی افراد روایاتی جعل شد و احادیثی که در فضیلت امیرالمؤمنین بود را تا توانستند از بین بردند.

زمانی که کسی احادیث را نقل می‌کرد، تلاش می‌کردند آنچنان با او برخورد کنند که دیگر کسی جرئت حرف زدن در رابطه با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را نداشته باشد.

بنده واقعاً مطالب دردناکی در تاریخ می‌بینم. همچنین روز قبل که مطالعه می‌کردم، به روایتی برخورد کردم که بعد از خواندن آن در اتاق را بستم و سرم را روی میز گذاشتم و یک دل سیر برای مظلومیت امیرالمؤمنین گریه کردم تا عقده دلم خالی شد.

انسان با بعضی وقایع و روایات نمی‌داند چکار کند. در کتاب «سیر أعلام النبلاء» اثر «ذهبی» است، همو که وقتی به احادیث امیرالمؤمنین می‌رسد تا جایی که می‌تواند به روایت اشکال سندی و دلالتی وارد می‌کند.

در جایی که او نه می‌تواند اشکال سندی بگیرند و نه می‌تواند اشکال دلالتی کند، می‌گوید:

«يشهد القلب أنه باطل»

میزان الاعتدال في نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدين محمد بن أحمد الذهبي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1995، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض والشيخ عادل أحمد عبدالموجود؛ ج1، ص 213

می گوید: قلب من شهادت می دهد که این روایت باطل است، ولو صد نفر دیگر این روایت را تصحیح کرده باشند.

این آقا در جلد سوم در رابطه با «عبدالله بن شداد» قضیه‌ای آورده است و نقل کرده که دیگران او را چگونه توصیف می کنند. او می نویسد:

«ابن الهاد الليثي الفقيه أبو الوليد المدني ثم الكوفي»

در ادامه می نویسد:

«وكان ثقة قليل الحديث شيعيا»

مشاهده کنید که ایشان می گوید:

«وددت أني قمت على المنبر من غدوة إلى الظهر فأذكر فضائل علي بن أبي طالب رضي الله عنه ثم أنزل فيضرب عنقي»

دوست دارم بعد از نماز صبح تا ظهر بالای منبر بروم و فضائل علی بن ابی طالب را بگویم، سپس از منبر پایین بیایم و گردنم را بزنند.

آیا مظلومیت از این بالاتر؟! ایشان می‌گویند که من حاضرم چندین ساعت بالای منبر بروم و فضائل امیرالمؤمنین را مطرح کنم، سپس مرا پایین بیاورند و گردن مرا بزنند. این افراد تا این اندازه در رابطه با نقل فضائل امیرالمؤمنین و اهل بیت در فشار بودند.

«حدیث عبد الله مخرج فی الكتب الستة ولا نزاع فی ثقتہ»

روایت عبدالله بن شداد در کتب صحاح سته هم آمده و در مورد وثاقت او اختلافی نیست.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ج 3، ص 489، باب عبد الله بن شداد ع

این فردی نیست که او را ضعیف یا وضع خطاب کنیم. او می‌گوید که چندین ساعت به من اجازه بدهید تا بالای منبر بروم و فضیلت علی بن ابی طالب را مطرح کنم، سپس مرا پایین بیاورند و گردن مرا بزنند. مشاهده کنید این افراد چقدر حاضر بودند بها بدهند!

نقل شده است در زمان قدیم به افرادی که می‌خواستند به زیارت امام حسین بروند، می‌گفتند که باید دستتان را بدهید. آن‌ها در راه زیارت امام حسین دست‌ها و پاهایشان را می‌دادند.

وقتی که ما این مطالب را می‌شنویم، خیلی تعجب می‌کنیم که شیعیان نسبت به امام حسین چقدر عشق داشتند.

در مقابل با خواندن این روایات انسان دیوانه می‌شود و بدن انسان به لرزه می‌افتد. مشاهده کنید یک عالم سنی که روایاتش در کتب صحاح سته آمده است، دوست دارد دو ساعت فضائل امیرالمؤمنین را مطرح کند سپس گردنش را بزنند.

محقق این کتاب «شعیب الأرنؤوط» یکی از وهابی‌های سرشناس عصر ماست. «عبدالله بن شداد» کسی است که در کتب صحاح سته روایت دارد، به طوری که راویان روایت «بخاری» و «مسلم» و «نسائی» و «ابن داود» و «ابن ماجه» و دیگران هستند.

«عبدالله بن شداد» شخصی است که در مورد او گفته‌اند: «ولا نزاع فی ثقته». حال انتظار نداشته باشید که این آقایان بسیاری از مسائل را بی پرده مطرح کنند.

### اسناد معتبر تهدید و به آتش کشیدن خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

در رابطه با قضیه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بخشی از آن واضح آمده است که باید آن را تحلیل کنیم. تنها نباید نقل روایت صورت بگیرد، بلکه بعد از بررسی سندی ببینیم این روایت چه پیامی دارد و چه نکاتی در این روایت‌ها خوابیده است.

### الف) روایت «طبری»

در خصوص تهدید به آتش کشیدن خانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ابتدا به سراغ «طبری» متوفای 310 هجری می‌رویم. ایشان از قول «ابن حمید»، «جریر»، «مغیره» و «زیاد بن کلیب» که چهار راوی بیشتر نیست روایتی نقل کرده است.

«قال أتی عمر بن الخطاب منزل علی وفیه طلحة والزبیر ورجال من المهاجرین»

دقت داشته باشید در این روایت «عدة من المهاجرین» نیامده است بلکه می‌نویسد: «ورجال من المهاجرین».

«فقال والله لأحرقن علیکم أو لتخرجن إلی البیعة»

عمر بن خطاب گفت: به خدا سوگند یا این خانه را به آتش می‌کشم یا برای بیعت با ما می‌آیید.

«فخرج علیه الزبیر مصلتا السیف فعثر فسقط السیف من یده فوثبوا علیه فأخذوه»

زبیر با شمشیری از غلاف بیرون کشیده آمد، اما پایش به زمین خورد و شمشیر از دستش افتاد و صحابه ریختند و شمشیر او را از دستش گرفتند.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج 2، ص 233، باب ذکر الأخبار الواردة بالیوم الذی توفی فیہ رسول الله ومبلغ سنه یوم وفاته

اولاً باید روایت را از نظر سندی بررسی کنیم، سپس پیام روایت را مورد مطالعه قرار دهیم. راوی اول «محمد بن حمید» است. آقای «البانی» در کتاب «سلسلة الأحادیث الصحیحة» جلد سوم صفحه 225 می‌گوید:

«محمد بن حمید الرازی وهو ثقة»

سلسلة الأحادیث الصحیحة وشیء من فقهها وفوائدها، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتی بن آدم، الأشقودری الألبانی (المتوفی: 1420 هـ)، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزیع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، ج 3، ص 225، ح 1225

همچنین «یحیی بن معین» او را توثیق کرده است.

«سئل یحیی بن معین عن مُحَمَّد بن حمید الرَّازی فَقَالَ: ثقة»

تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، المؤلف: یوسف بن عبد الرحمن بن یوسف، أبو الحجاج، جمال الدین ابن الزکی أبو محمد القضاعی الکلبی المزنی (المتوفی: 742 هـ)، المحقق: د. بشار عواد معروف، الناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1400 - 1980، ج 25، ص 101، ح 5167

آقایان بر این عقیده هستند که اگر «یحیی بن معین» کسی را توثیق کرد، دیگران هرچه او را تضعیف کنند هیچ ارزشی ندارد.

«فهذا ابن معین إمام هذا الشأن وكفی به حجة فی توثیقه إیاه»

ابن معین پیشوا و امام علم رجال است و اگر کسی را توثیق کرد دیگر حجت تمام است.

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار

إحياء التراث العربی - بیروت، ج 7، ص 11، ح 899

راوی دوم «جریر بن عبدالله» است که در کتاب «تهذیب الکمال» در خصوص او آمده است:

«كان ثقة كثير العلم»

در ادامه آمده است:

«حجة، كانت كتبه صحاحا»

تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، المؤلف: یوسف بن عبد الرحمن بن یوسف، أبو الحجاج، جمال الدین

ابن الزکی أبو محمد القضاعی الکلبی المزنی (المتوفی: 742 هـ)، المحقق: د. بشار عواد معروف، الناشر:

مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1400 - 1980، ج 4، ص 544، ح 918

راوی بعد «مغیره بن مقسم ضبی» است که در کتاب «تهذیب الکمال» ثقه خطاب شده است. راوی بعد «زیاد

بن کلیب» است که «نسائی» و «عجلی» او را ثقه می‌دانند.

بنابراین راویان این روایت از دیدگاه علمای اهل سنت همگی ثقه هستند. با این اوصاف در اینکه این روایت

صحیح است، شکی نیست. حال بینیم پیام روایت چیست. ما باید بیاییم بینیم قضیه چیست. در ابتدای

روایت آمده است:

«طلحة والزبير ورجال من المهاجرين»

طلحه و زبیر و شخصیت‌هایی از مهاجرین جمع شدند.



آیا این افراد صحابی هستند یا نیستند؟! شما همگی می گوئید که صحابی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)؛

«الصحابة كلهم من أهل الجنة قطعاً»

قطعاً تمام صحابه اهل بهشت هستند.

الإصابة في تمييز الصحابة، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852 هـ)، تحقيق: عادل عبد الموجود وعلي محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية – بيروت، الطبعة: الأولى - 1415 هـ ج 1، ص 163، الفصل الثالث

همچنین معتقدید هرکسی بخواهد کوچکترین طعنی نسبت به صحابه داشته باشد، زندق و ملحد است!

«فقال والله لأحرقن عليكم»

خلیفه دوم می گوید: به خدا سوگند خانه را به آتش می کشم.

حرف او بدان معناست که همه شما را در خانه می سوزانم. آیا این بی احترامی به صحابه هست یا نیست؟! حرمت امامزاده را باید متولی داشته باشد. وقتی متولی خود احترام امامزاده را نداشته باشد، انتظار داریم زائرین حرمت امامزاده را داشته باشند؟!

اولاً باید ببینیم تعبیر ایشان آیا تنقیص صحابه هست یا خیر؟! شما می گوئید که پیغمبر اکرم فرمود:

«اقتدوا بالذین من بعدي أبي بكر وعمر»

بعد از من به ابوبکر و عمر اقتدا کنید.

الطبقات الكبرى، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري الزهري، دار النشر: دار صادر

- بيروت؛ ج2، ص 334

اگر کسی به اقتدای جناب «عمر بن خطاب» چنین تعبیری نسبت به صحابه داشته باشد، شما چه پاسخی دارید؟! پیام دوم این است که هیچ کدام از این افراد برای بیعت نیامدند. این مطلب در کتب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» نقل شده است.

**مجری:**

آن شصت نفر را می‌فرمایید؟

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

بله. اصلاً غیر از آنها تا شش ماه نه امیرالمؤمنین، نه مهاجرین و نه بنی هاشم هیچکدام بیعت نکردند. بنده روایتی نشان بدهم تا آقایان ادعا نکنند که فلانی بی مدرک حرف می‌زند. در کتاب «صحیح بخاری» جلد پنجم صفحه 82 حدیث 4240 آمده است:

**«ولم یکن یتایع تلک الأشهر»**

علی بن ابی طالب در طول شش ماه که حضرت فاطمه زهرا زنده بودند، بیعت نکردند.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار

ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 4، ص

82، ح 4240

همچنین «ابن اثیر جزری» در کتاب «أسد الغابة» می‌گوید:

**«وكان أبان أحد من تخلف عن بيعة أبي بكر لينظر ما يصنع بنو هاشم»**

أسد الغابة في معرفة الصحابة، اسم المؤلف: عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد الجزري، دار  
النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان - 1417 هـ - 1996 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل  
أحمد الرفاعي، ج 1، ص 60، ح 2 (ب د ع)

طبق این روایت علی بن ابی طالب، بنی هاشم، «زبیر»، «خالد بن سعید» و «سعد بن عباد» بعد از شهادت  
حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بیعت کردند.

جالب این است که در کتاب «مصنف عبدالرزاق» نقل شده است که کسی به آقای «شهاب الدین زهری» گفت:

«فلم یبایعه علی ستة أشهر»

علی بن ابی طالب در این شش ماه بیعت نکرد؟

«قال لا ولا أحد من بنی هاشم»

او گفت: خیر و یک نفر از بنی هاشم هم بیعت نکردند.

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -  
1403، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج 5، ص 472، ح 9774

در اینجا جناب خلیفه دوم می گوید:

«فقال والله لأحرقن علیکم»

خلیفه دوم می گوید: به خدا سوگند خانه را به آتش می کشم.

مجری:

جناب استاد با عرض معذرت سری به اتاق فرمان می زنیم و برمی گردیم در خدمت شما خواهیم بود.

قصه را تازبانه خواهد گفت

در و دیوار خانه خواهد گفت

آتش از راه می‌رسد آنگاه

با زبان زبانه خواهد گفت

جناب استاد اگر صلاح می‌دانید از دو سه دقیقه قبل از اینکه ارتباطمان قطع شود و به اتاق فرمان برویم، شروع کنید که بتوانیم سندها را به بینندگان عزیز نشان بدهیم.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

بحث ما در رابطه با عبارت و پیام این روایت «طبری» بود که ایشان با سند صحیح نقل می‌کند که خلیفه دوم به منزل علی بن ابی طالب آمد، در حالی که «طلحه» و «زبیر» و بزرگانی از مهاجرین همراه او بودند. او گفت:

«فقال والله لأحرقن علیکم»

خلیفه دوم می‌گوید: به خدا سوگند خانه را به آتش می‌کشم.

او به صراحت گفت که والله همه شما را در این خانه خواهم سوزاند.

«أو لتخرجن إلى البيعة»

یا برای بیعت با ما می‌آیید.

ما عرض کردیم در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» آمده است مادامی که حضرت فاطمه زهرا در قید حیات بودند، امیرالمؤمنین و بنی هاشم هیچکدام با خلیفه بیعت نکردند.

«ولم یکن بایع تلك الأشهر»

این در حالی است که در روایت آمده است:

«وَعَاشَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 3، ص 1380، ح 1759

همچنین از آقای «زهري» سؤال می‌کنند که علی بن ابی طالب در این شش ماه بیعت نکرد؟ او می‌گوید:

«قال لا ولا أحد من بني هاشم»

اسامی حدود هفتاد نفر آمده است که اسامی بعضی از این افراد را آقای «ابن اثیر جزری» در کتاب «أسد الغابة» آورده است و می‌نویسد:

«وتخلف عن بيعته: عَلِيٌّ، وبنو هاشم، والزُّبَيْرُ بن العَوَّام، وخالِد بن سعيد بن العاص، وسَعْدُ بن عُبَادَةَ الأنصاري. ثم إن الجميع بايعوا بعد موت فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم إلا سَعْدَ بن عُبَادَةَ»

أسد الغابة في معرفة الصحابة، اسم المؤلف: عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد الجزري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان - 1417 هـ - 1996 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل أحمد الرفاعي، ج 3، ص 339، ح 3053

طبق این روایت همه این صحابه بیعت کردند، مگر «سعد بن عباد» که تا آخر بیعت نکرد. ما گفتیم پیام اول تحلیل این روایت است که آیا احترام این صحابه لازم است یا لازم نیست؟!

بر فرض علی بن ابی طالب خلیفه نبود، آیا صحابی بود یا خیر؟! آیا «طلحه» و «زبیر» و عده‌ای از بنی هاشم صحابی هستند یا خیر؟! اینکه می‌گوید:

«من تنقص واحداً منهم فهو كافر وامرأته طالق»

نثر الدر في المحاضرات، اسم المؤلف: أبو سعد منصور بن الحسين الآبي، دار النشر: دار الكتب العلمية -

بيروت / لبنان - 1424هـ - 2004م، الطبعة: الأولى، تحقيق: خالد عبد الغني محفوظ؛ ج 4، ص 96

آیا این چنین برخورد کردن با صحابی درست هست یا خیر؟! این سؤال اول ماست. سؤال کردن که گناه نیست، بلکه توهین کردن گناه است. ما می گوئیم هر نوع توهین به مقدسات اهل سنت، مسیحیت یا آئین یهود و زرتشت را گناه می دانیم.

توهین و فحش و ناسزا گناه است. توهین منطق کسی است که حرفی برای گفتن ندارد. کسی که حرف برای گفتن دارد که دیگر توهین نمی کند.

بعضی افراد در شبکه هایی که درست کردند توهین می کنند به دلیل اینکه بی سواد هستند، حرف برای گفتن ندارند به همین خاطر توهین می کنند. همین توهین ها را وهابیت و بعضی از آقایان اهل سنت بهانه ای برای کشتن شیعه قرار می دهند.

بنابراین سؤال اول ما این است که آیا احترام صحابه واجب بود یا خیر؟! سؤال دوم ما این است که آیا وجوب بیعت با ابوبکر بالاتر است یا اسلام آوردن و معتقد به رسالت پیغمبر اکرم بودن؟!!

آیا ما روایتی داریم که رسول گرامی اسلام در طول این بیست و سه سال در خانه شخصی که حاضر به اسلام آوردن نشده بود برود و فرموده باشد که اگر مسلمان نشوید خانه را بر سر شما به آتش می کشم؟!!

آیا چنین چیزی هست یا خیر؟! روایت باید تحلیل شود، همانطور که امیرالمؤمنین می فرمایند:

**«هَمَّةُ السُّفَهَاءِ الرَّوَايَةُ وَ هَمَّةُ الْعُلَمَاءِ الدَّرَايَةُ»**

ما گفتیم تنها نقل روایت کار سفیهان است. نکته سوم است که حدود هشتاد نفر از صحابه بیعت نکردند. «طلحه» بیعت نکرد، «زبیر» بیعت نکرد، «سعد بن عباد» بیعت نکرد.

چرا اصحاب سقیفه در خانه آنها نرفتند و آنها را تهدید نکردند؟! چرا به آنها نگفتند که اگر برای بیعت نیایید خانه‌تان را به آتش می‌کشیم؟! چرا این قرعه فال تنها به نام امیرالمؤمنین افتاد؟!

این‌ها سؤالاتی است که باید به آنها پاسخ داده شود. بنده عرض کردم که اصلاً بحث شهادت را کنار می‌گذاریم.

### آیا جناب «عمر بن خطاب» به قسم خود عمل کرد یا نکرد؟!

سؤال چهارم ما این است که جناب خلیفه قسم یاد کرده و می‌گوید:

«فقال والله لأحرقن علیکم»

خلیفه دوم می‌گوید: به خدا سوگند خانه را به آتش می‌کشم.

ما ثابت کردیم که صحابه تا شش ماه بیعت نکردند. آیا آتش به این خانه خورده یا آتش زده نشده است؟! اگر آتش زده است، جناب خلیفه برخلاف قسم خود عمل کرده است. او حنث قسم کرده است، قسم خود را شکسته و باید کفاره بدهد.

آیا ما یک روایت ضعیف داریم که جناب خلیفه کفاره داده باشد و گفته باشد که من آن روز عصبانی بودم و اشتباهی قسم یاد کردم که خانه را به آتش می‌کشم؟! آن‌ها برای بیعت نیامدند و من هم خانه را به آتش نکشیدم، به همین خاطر باید کفاره قسم بدهم!

آیا ما چنین چیزی در روایات ولو با سند ضعیف داریم؟! این‌ها سؤالاتی است که باید به آنها پاسخ داده شود. بنده عرض کردم که سؤال پرسیدن گناه نیست.

هرکدام از عزیزان و بزرگواران اهل سنت می‌توانند قدم روی چشم ما بگذارند و به قم تشریف بیاورند. اگر آقایان قبول کنند ما تمام هزینه‌های رفت و برگشت آنها را پرداخت می‌کنیم و در حد وسع طلبگی از آنها پذیرایی می‌کنیم.

ما آنتن را در اختیار این آقایان قرار می‌دهیم و تقاضا داریم به این سؤالات ما پاسخ بدهند. همچنین اگر نمی‌توانند تلفنی روی آنتن بیایند، ولو بعد از ایام فاطمیه این مطالب را یادداشت بفرمایند و روی آن تحقیق و سؤال کنند.

چند روز پیش یکی از آقایان آمد و در رابطه با اولین صحیفه رسول اکرم که به عنوان قانون اساسی اسلام مطالبی بیان کرد. بنده پرسیدم: این قانون کجاست. او گفت: نمی‌دانم! بنده گفتم: یک کلمه از این قانون ذکر کنید تا من محتوای آن را بیاورم.

این شخص اصلاً این قانون را ندیده بود و تنها مطالبی در مورد آن شنیده بود. شنیده‌ها هیچ ارزشی ندارد. بچه شیعه‌های ما هم پای منبر هزار مطلب می‌شنوند. وقتی می‌پرسید که این عبارت کجاست و سند آن را بدهید، بلد نیستند پاسخ بدهند و این هم فایده‌ای ندارد. بحث در اینجا بحث علمی است. در بحث علمی ما باید با مستندات صحبت کنیم.

### **(ب) روایت «ابن ابی شیبیه»**

روایت بعدی روایت «ابن ابی شیبیه» است. مشخص است «ابن ابی شیبیه» استاد «بخاری» است و شکی در وثاقت و اعتبار او نیست. ایشان که متوفای 235 هجری است، در کتاب خود به نام «المصنف» مطلبی در این خصوص آورده است.

در میان علمای اهل سنت دو نفر کتابی به نام «المصنف» دارند. یکی از آنها اثر «عبدالرزاق صنعانی» متوفای 211 هجری است و دیگری هم متعلق به «ابن ابی شیبیه» است که هر دو استاد «بخاری» هستند.

در کتاب «المصنف» اثر «ابن ابی شیبیه» جلد هفتم حدیث 37045 صفحه 432 آمده است:

«کان علی والزبیر یدخلان علی فاطمة بنت رسول الله فیشاورونها ویرتجعون فی أمرهم»



تا جایی که خلیفه دوم وارد خانه حضرت فاطمه زهرا شد و گفت:

«یا بنت رسول الله والله ما من أحد أحب إلینا من أبیک»

ای دختر رسول خدا! به خدا سوگند که کسی محبوب‌تر از پدرت نزد ما نیست.

حال در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا حرف رسول الله هم محبوب است یا خیر؟! آیا وقتی چند روز قبل از آن پیغمبر اکرم فرموده بودند: قلم و کاغذی بیاورید تا چیزی بنویسم که هرگز گمراه نشوید، چه کسی گفت:

«إن الرجل لیهجر»

الطبقات الكبرى، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منیع أبو عبدالله البصري الزهري، دار النشر: دار صادر

– بیروت؛ ج2، ص 242

ما می‌خواهیم روایت را تحلیل کنیم و تنها به نقل آن بسنده نکنیم. خلیفه دوم می‌گوید: والله محبوب‌تر از پدرت نزد ما کسی نیست. حال کسی که گفت: «إن الرجل لیهجر» چه کسانی بودند؟!

«وما من أحد أحب إلینا بعد أبیک منک»

به خدا قسم بعد از پیغمبر اکرم هم کسی محبوب‌تر از تو در نزد من نیست.

بنابراین پیغمبر اکرم و حضرت فاطمه زهرا با قسم محبوب‌ترین افراد در نزد خلیفه هستند. با تمام این احوالات؛

«وَأیم الله ما ذاک بمانعی ان اجتمع هؤلاء النفر عندک إن أمرتهم أن یحرق علیهم البیت»

به خدا سوگند اگر کسانی که در منزل شما هستند بیرون نیابند، دستور می‌دهم خانه را به آتش بکشند.

آیا شخصی می‌تواند خانه‌ای را به آتش بکشد که به قول خودش افراد آن خانه محبوب‌ترین فرد در نزد اوست؟! آیا این تعبیر که "اگر آنها بیرون نیایند، من این خانه را به آتش می‌کشم" با این جمله:

«وما من أحد أحب إلينا بعد أبيك منك»

و اینکه قسم یاد می‌کند و می‌گوید:

«وَأيم الله ما ذاك بمانعي ان اجتمع هؤلاء النفر عندك إن أمرتهم أن يحرق عليهم البيت»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 7، ص 432، ح

37045

چه معنایی دارد؟! آیا صحابه بیرون آمدند یا خیر؟! آیا بیعت کردند یا نکردند؟! تمام سؤالاتی که ما در روایت «طبری» داشتیم، همین جا هم داریم.

آیا اینها یهودی بودند، منافق بودند یا مسیحی بودند؟! این افراد صحابه بودند! برفرض حضرت صديقه طاهره (سلام الله عليها) اصلاً دختر پیغمبر اکرم نبود، آیا صحابی بود یا خیر؟! آیا باید برخورد با یک صحابی رسول الله این چنین باشد؟!

اصلاً آتش زدن را هم فعلاً کنار می‌گذاریم. آیا تهدید به آتش زدن از دیدگاه اسلام درست است؟!

ما از ابتدا سوره حمد تا سوره ناس یک آیه داریم که پیغمبر اکرم نسبت به کفار زمان حضرت آدم تا حضرت خاتم فرموده باشد کسانی که اسلام نیاوردند و نیامدند با پیغمبر اکرم بیعت کنند، دستور داده باشد خانه‌هایشان را آتش بزنند؟!

مگر شما نمی‌گویید صحابه تابع سنت رسول الله هستند؟! مگر قرآن کریم به صراحت نمی‌فرماید:

(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا)

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید، و آنچه را از آن نهی کرده خودداری نمائید.

سوره حشر (59): آیه 7

9:

(وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا)

و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند آتش دوزخ از آن او است، جاودانه در آن می‌مانند.

سوره جن (72): آیه 23

امثال آیاتی که هست. روایت دیگری هم نقل شده است که عزیزان به آن دقت کنند. در سند روایت «محمد بن بشر» است که «یحیی بن معین»، «نسائی»، «ابن قانع» او را ثقة خطاب کرده‌اند. توثیق این شخص در کتاب «تهذیب التهذیب» نقل شده است. در خصوص «محمد بن بشر» آمده است:

«وكان ثقة كثير الحديث»

در ادامه می‌نویسد:

«وقال النسائي وابن قانع ثقة»

همچنین آمده است:

«عثمان بن أبي شيبة محمد بن بشر ثقة ثبت»

تهذيب التهذيب، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار النشر: دار

الفكر - بيروت - 1404 - 1984، الطبعة: الأولى، ج 9، ص 64، ح 90

راوی بعد «عبدالله بن عمر بن حفص» است. «یحیی بن معین»، «ابو زرعہ»، «ابو حاتم» و «نسائی» او را ثقہ خطاب کرده‌اند.

راوی دیگر روایت «زید بن أسلم» است که «ابوحاتم» او را ثقہ می‌خواند. «اسلم قرشی» دیگر غلام و ملازم خلیفه دوم بوده است و همگان او را توثیق کرده‌اند.

**مجری:**

استاد فرصت ما به پایان رسیده است. ان شاءالله یک جمع بندی کوتاه داشته باشیم.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

بنابراین بحث اصلی ما این شد که یکی از مباحثی که باید روی آن کار کنیم، این است که می‌خواهیم حقیقت تاریخ برای مردم روشن شود. حقایق باید برای شیعه و سنی یا کسی غیر از شیعه و سنی که می‌خواهد در مورد اسلام تحقیق کند، روشن شود.

همین امروز بعد از نماز صبح کلیپی که یکی از دوستان برای من فرستاده بودند را می‌دیدم. یک عالم مسیحی تحلیلی در مورد حضرت فاطمه زهرا داشت که وقتی آن را گوش دادم، بی اختیار اشکم جاری شد.

یک مسیحی زندگی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را در زمان پیغمبر اکرم و بعد از شهادت آن بزرگوار را تحلیل کرده است.

ما باید ببینیم آیا قضیه تهدیدی که صورت گرفته است، با موازین اسلامی تطبیق می‌کند یا خیر؟! اگر تطبیق دارد، آقایان بیایند و ما را روشن کنند. عرض کردیم که دست ما بالاست و در برابر دلیل به فرموده قرآن کریم استناد می‌کنیم که می‌فرماید:

**(قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)**

بگو اگر راست می‌گوئید دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید.

**سوره بقره (2): آیه 111**

همچنین اگر تطبیق نمی‌کند و خلاف قرآن کریم و سنت پیغمبر اکرم و سیره تمام انبیاء الهی است، آقایان این همه اصرار نکنند و در مورد برگزاری مراسم ایام فاطمیه نظر ندهند.

افراد بسیاری در طول این چهل سال گفته‌اند که اگر شما می‌خواهید وحدت برقرار کنید، باید مراسم ایام فاطمیه را تعطیل کنید.

در مقابل بنده هم بارها گفتم که لعنت بر وحدتی که بخواهد با تعطیلی ایام فاطمیه و مراسم شهادت حضرت فاطمه زهرا تحقق پیدا کند!

**مجری:**

جناب استاد از شما سپاسگذارم و ان شاءالله ادامه بحث را شب‌های آینده در خدمت شما باشیم. شما از ساعت 9:30 هم در خدمت بینندگان آذری زبان هستید.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ان شاءالله اگر خداوند به ما توفیق داد.

**مجری:**

ما دقایقی از محضر یکی از ذاکران اهل بیت استفاده کنیم تا حاج آقا استراحتی کنند و مجدد در خدمتشان باشیم. با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد سری به اتاق فرمان می‌زنیم.

مداحی

**مجری:**

جناب آقای خرم فر ذاکر باصفای اهل بیت از شما سپاسگذارم. ان شاء الله خداوند ما را از گریه کنان حضرت صدیقه طاهره حضرت مادر قرار دهد و با روضه خوان‌های حضرت فاطمه زهرا محشور کند. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد از شما خداحافظی می‌کنیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته